

کالبدشکافی یک تجمع سیاسی در ایران: بلوای نان در دسامبر ۱۹۴۲ / آذر ۱۳۲۱ در تهران

نوشته استیفن ل. مک فارلند
ترجمه دکتر نادر میرسعیدی

در صبح روز هشتم دسامبر ۱۹۴۲ / هفدهم آذر ۱۳۲۱ گروه کثیری از دانشجویان به منظور مطالبه جیره بیشتر نان و اقدام فوری در مورد مسائل بحرانی ایجاد شده از سوی دولتی بی‌کفایت و مجلس غیرفعال، در خیابانهای تهران به سمت ساختمان مجلس در میدان بهارستان به حرکت درآمدند. تماشاگران و گروههای سازمان یافته‌ای از جنوب تهران به آنها پیوستند و این عده به زودی به اجتماعی عظیم تبدیل شدند. قوای پلیس از میدان عقب نشست و تظاهرات به یک شورش تبدیل شد. جمعیت ساختمان مجلس را اشغال کرد، و به طرف منطقه تجاری به راه افتاد و در طول مسیر شیشه‌ها و تابلوها را درهم شکست و مغازه‌ها را غارت کرد. در صبح روز نهم دسامبر / هجدهم آذر، دانشجویان راهپیمایی دیگری را به سوی ساختمان مجلس ترتیب دادند، ولی این بار سربازان آنها را هدف آتش مسلسلها قرار دادند و متفرق کردند. هرچند در نهم دسامبر / هجدهم آذر مغازه‌های شهر بسته بودند، بعضی در ۱۰ دسامبر / نوزدهم آذر و همه آنها در ۱۱ دسامبر / بیستم آذر دوباره باز شدند. وضع به حال عادی بازگشته بود. ادعا شده است که در شورش نان بیش از ۲۰ نفر کشته، ۷۰۰ نفر زخمی و ۱۵۰ نفر دستگیر شدند و ۱۵۰ مغازه غارت و به آتش کشیده شد.^۱

۱. در این مورد، تخمینهای رسمی تلفات [اعلان شده] از سوی دولت، مورد استفاده قرار گرفته است زیرا تنها ارقام منتشر شده موجود در این زمینه به شمار می‌روند. در گزارشهای تشکیلات اطلاعات [امنیتی] متفقین نیز همین ارقام تکرار شده‌اند، هرچند در گزارشهای مذکور دقیق بودن ارقام مورد تردید قرار گرفته است. با

آشوبها را ناشی از عوامل گوناگونی دانسته‌اند؛ این عوامل عبارت بودند از: کمبود مواد غذایی، نفرت از بیگانگان، احتکار مواد غذایی، کمبود محصول، سیاستهای اشغالگرانه متفقین، منازعه سیاسی، نارضایتی دانشجویان، تورم، ناامنی، ظاهر شدن دوباره لوطیها یا چاقوکشان (آدمکشان خیابانی، سرکردگان اوباش) که بعد از سقوط رضاشاه قدهلم کرده بودند، تحقیر ملی ناشی از هجوم سال ۱۳۲۰/۱۹۴۱ متفقین و فقدان مسئولیت اجتماعی در ایران.^۲ به نظر می‌رسید که قحطی در اصل، مسئله‌ای ساختگی است در حالی که گرسنگی طبقات پایین واقعیت داشت؛ در هر حال، شورش نان در هفدهم و هشدهم آذر ۱۳۲۱ تا حد زیادی ناشی از مداخله خارجی و فعالیتهای سیاسی نخبگان بود. شورش اگرچه کوتاه مدت بود، بر سیر تاریخ ایران تأثیر گذاشت، روابط متفقین را بدتر کرد و به کشیده شدن بیشتر ایالات متحده در گرداب رخدادهای ایران کمک کرد. بنابراین، شورش همچون آینه‌ای منعکس‌کننده مشکلات ایران در زمان جنگ بود. به علاوه، با وجود بررسیهای تاریخی اندک، شورشها می‌توانند در بررسی

→ وجود این، در آمارهای رسمی دولتی شمار تلفات به نحو رسواکننده‌ای کم برآورد شده است. استفاده از مسلسل برضد جمعیت‌های شهری گردهم آمده به خصوص با ناکارآمدی خدمات پزشکی ایران زمان جنگ، صحت این آمارها را، در نهایت قابل تردید می‌سازد.

۲. برای مثال نگاه کنید به حسین کرمانی. از شهریور ۱۳۲۰ تا فاجعه آذربایجان و زنجان، ج. ۲. (تهران، ۱۳۲۵، ۱۳۲۹). ج. ۲، صص ۳۰۱-۳۵۶؛

M.V.Popov, "Nachalo Astesii SShA V Irane V Gody Vtoroi Mirovoi Voiny, " *Voprosy Istorii*, no.11 (November 1949), p.39; George Lenczowski, *Russia and the West in Iran, 1914-1918*. (New York, 1949), PP.195-196; Nikki R.Keddie. *Roots of Revolution: An Interpretive History of Modern Iran*. (New York, 1981). P.115; Peter Avery. *Modern Iran*. (New York, 1965), P.365; Barry Rubin, *The Great Powers in the Middle East 1941-1947: Road to Cold War*. (London, 1980). P.84; *Times* (London), December 12, 1942, p.3; Arthur C.Millsbaugh, *Americans in Persia*. (Washington, 1946). P.45; Minister to Tehran, Louis Dreyfus to Secretary of State Cordell Hull, December 8, 1942, RG 59, 891.00/1981, Decimal File, Department of State, National Archives (DSNA از ایسِن پس); Ervand Abrahamian. *Iran Between two Revolutions*. (Princeton, 1982). P.183.

متأسفانه مطبوعات ایران قادر نبودند شورش را گزارش کنند. در هفدهم آذر ۱۳۲۱ دولت نخست وزیر احمد قوام مطبوعات مخالف را تعطیل کرد. روزنامه‌ها به مدت دو ماه که طی آن مسائل جدید و مبرم‌تری در پیش‌رو بود، منتشر نشدند. مجلس ایران نیز قانون مطبوعاتی جدیدی به تصویب رسانده بود که مطبوعات را برای مدتی از درج مطالب ستیزه‌جویانه ترساند. نگاه کنید به:

L.P.Elwell-Sutton, "The Iranian Press, 1941-1947", *Iran* 6(1968), 66.



گوشه‌ای از تظاهرات مردم در روز ۱۷ آذر ۱۳۲۱ (بلوای نان) [۵۱۹-۴ع]

تاریخ از پایین مفید باشند. ناآرامی عمومی و اقتصاد سیاسی در حال تحول در هر جا که بتوان آنها را به آسانی تشخیص داد و مورد بررسی قرار داد، می‌توانند به آشکار شدن نارضایتی و ستیز نهفته‌ای که معمولاً حکومت‌های استبدادی آنها را مخفی نگه می‌دارند، کمک کنند.^۳ شورشها همچنین با آشکار کردن این امر که چگونه نخبگان ناآرامی عمومی اجتماعی و اقتصادی و نفرت از بیگانگان را در منازعات داخلی بر سر قدرت، به صورت اسلحه در اختیار می‌گیرند و به کار می‌برند، می‌توانند در نشان دادن تاریخ از بالا به کار روند.

هجوم انگلیس و شوروی و اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ نیروهایی را آزاد کرد و جریانهایی را به کار انداخت که مستقیماً به شورش نان منجر شدند. این هجوم، نظام استبدادی رضاشاه را از میان برد، ارتشی را که آن نظام بر آن استوار بود مضمحل کرد، راه‌آهن و شبکه جاده‌ای را که پیشروی آینده متفقین به آنها وابسته بود به خدمت خود

۳. در مورد تجمعات خاورمیانه، نگاه کنید به:

E. Abrahamian, "The Crowd in Iranian Politics 1905-1953" *Past and Present*, 41 (December 1968), 184-210; Boaz Shoshan, "Grain Riots and the 'Moral Economy': Cairo, 1350-1517," *Journal of Interdisciplinary History* 10 (Winter 1980), 459-478.

در مورد تجمعات اروپا، نگاه کنید به:

George Rude. *The Crowd in History: A Study in Popular Disturbances in France and England, 1730-1848*. (New York, 1964); E.P. Thompson, "The Moral Economy of the English Crowd in the Eighteenth Century," *Past and Present* 50 (February 1971), 76-136; Sharon Kettering. *Judicial Politics and Urban Revolt in Seventeenth-Century France: The Patlement of Aix, 1629-1659*. (Princeton, 1978).

در مورد شورشهای ناشی از گرسنگی، نگاه کنید به:

Alan Booth, "Food Riots in the North-West of England 1790-1801," *Past and Present* 77 (November 1977), 84-107; Date Edward Willians, "Were 'Hunger' Rioters Really Hungry? some Demographic Edidence," *Past and Present* 71 (May 1979), 70-75; Cecil Woodham-Smith. *The Great Hunger: Irland 1845-1849*. (New York, 1962).

در مورد جنبه‌های نظری شورشها، نگاه کنید به:

Joseph M. Firestone, "on the Underlying Causes of Urban Riots," *General Systems* 19 (1974) 117-133; Ted Robert Gurr. *Why Men Rebel*. (Princeton, 1970); Louis H. Masotti and Don R. Bowen, eds. *Riots and Rebellion: Civil Violence in the Urban Community*. (Beverly Hills, 1968); Clifford T. Paynton and Robert Blackey, eds. *Why Revolution? Theories and Analyses* (Cambridge, 1971).

در آورد و فرد اصلی‌ای که تمامیت نظام حول او می‌چرخید، یعنی رضاشاه، را به تبعید فرستاد. حکومت رضاشاه جای خود را به نظامی کثرت‌گراتر داد که در آن جانشین او، به عنوان شاه، تنها یکی از چند کانون متنوع قدرت بود که برای تفوق با هم رقابت می‌کردند و به علاوه، حمل و نقل متوقف شد، قیمت‌ها فوق‌العاده افزایش یافت، ذخایر مواد غذایی کم شد و متفقین در همهٔ زمینه‌ها شروع به مداخله در امور ایران کردند.

متفقین همچنین مسئول مستقیم کمبود گندم در ایران بودند. مادهٔ ۷ «پیمان اتفاق» که به اشغال، جنبهٔ قانونی می‌داد قدرتهای متفق را مکلف می‌ساخت که از مردم ایران در برابر «کمبودها و دشواریهای» جنگ حمایت کنند. اما متفقین ساختار سیاسی و اقتصادی پیشین ایران را نابود کردند و موفق به ایجاد جایگزینهایی کارآمد نشدند. اشغالگران متفق مقادیر زیادی از مواد غذایی ایران را خریداری یا ضبط کردند. بیش از ۷۵۰۰۰۰ سرباز و مأمور متفقین، که در ایران در پادگانها اسکان یافته بودند، فقط قسمتی از نیازهای غذایی و تدارکاتی خود را از خارج تأمین می‌کردند. منبع عمدهٔ گندم تهران آذربایجان بود؛ با وجود این، مأموران شوروی ۵۰٪ نیازهای غلهٔ خود را از آذربایجان تأمین می‌کردند و از اسفند ۱۳۲۰ تا اسفند ۱۳۲۱ اجازه دادند که فقط ۳۰۰ تن از گندم آذربایجان به تهران حمل شود.^۴ به علاوه، سیاستهای اشغالگران شوروی باعث شده که ۲۰۰/۰۰۰ ایرانی به تهران فرار کنند و جمعیت تهران و نیازهای غذایی آنها را تا ۳۷٪ افزایش دهند.^۵ متفقین شبکهٔ راه‌آهن ایران را در اختیار خود گرفتند و با نیمی از کامیونهای عمومی و تحت مالکیت خصوصی قرارداد بستند که به این طریق بیش از ۷۵٪ شبکهٔ توزیع مواد غذایی را در ایران در حین برداشت محصول سال ۱۳۲۰ از بین بردند. کامیونهای باقی

4. Dreyfus to Hull, May 9, 1943, Rg 59, 891. 6222 / 14, DSNA; George Kirk, "The Middle East in the War,"

در:

Arnold Toynbee, gen.ed. *Survey of International Affairs 1939-1946*. (London, 1953). P. 468.

5. U.S. Department of State. *Foreign Relations of the United States, 1941, 3*. (Washington, 1959). 463-464.

(از این پس FRUS، پس از سال مورد نظر)؛

Lenczowski. *Russia and the West* pp. 195, 198-199; Edward Mayow Hasting Lloyd, *Food and Inflation in the Middle East, 1940-1945*. (Stanford, 1956). P. 159; Charge in Iran Cornelius Engert to Hull, March 4, 1940, RG 59, 891. 5011/8, DSNA; Engert to Hull, April 1, 1940, RG 59, 891. 5011/9, DSNA.

مانده در دست ایرانیان در اندک مدتی غیرقابل استفاده شدند؛ زیرا متفقین ورود قطعات یدکی، به خصوص لاستیک، را محدود کردند.^۶ دو سازمان متفقین یعنی شرکت تجاری ممالک متحد بریتانیا و مرکز ملزومات خاورمیانه نظارت بر تجارت خارجی ایران را در دست گرفتند و با در نظر گرفتن اولویتهای متفقین و نه اولویتهای ایرانیان به اداره آن پرداختند. مواد غذایی را تنها به حساب محموله‌های کمکی برای اتحاد شوروی که به نحو غیرقابل انکاری بیشترین نیازهای سوق‌الجیشی را داشت، می‌شد به ایران آورد. حمایت انگلیس از رهبران ایلی در جنوب و پشتیبانی شوروی از تجزیه‌طلبان شمال به ویژه حزب کمونیست «توده»، از شکل‌گیری دولتی قدرتمند در ایران که بتواند مانع آشوب سیاسی شود جلوگیری کرد.

کمبود خوراک در تهران طی اواخر سال ۱۳۲۱ ناشی از هیچ‌گونه تنگنای سخت و عمومی نبود، بلکه به علت ناتوانی نظام حمل و نقل و توزیع بود. برداشت گندم تا تخمیناً ۳۰٪ در سال ۱۳۲۰ و ۱۸٪ در سال ۱۳۲۱ کمتر از میزان پیش از جنگ تنزل یافت در حالی که پیش از جنگ، ایران یک صادرکننده ویژه غله بود و در زمانهای کمبود داخلی می‌توانست نیاز خود را تأمین کند. تولید گوشت، میوه، سبزیجات و برنج نیز تنزل یافت اما به میزانی کمتر.^۷ حضور متفقین تقاضا را افزایش داد، اما اگر همه عوامل دیگر به همان ترتیب باقی مانده بود قحطی پیش نمی‌آمد. سیاستهای متفقین و بی‌کفایتی دولت ایران حمل غله را چنان دچار آشفتگی کرد که شهرهایی از قبیل تهران مجبور بودند روز به روز گذران کنند در حالی که ذخیره‌ها در مناطق تولید کننده غله روی هم انباشته یا برای تأمین نیازهای شوروی و انگلیس خریداری می‌شد. توزیع غله بستگی داشت به تعداد زیادی کامیون، یک نظام راه‌آهن ملی متشکل از یک خط آهنی واحد، حضور مسلط رضاشاه مستبد و انتقال آزادانه ذخایر در داخل ایران. در شهریور ۱۳۲۰ متفقین هر چهار عامل را کنار زده بودند.

کمبود خوراک در تهران به مسائل سیاسی نیز مربوط بود. رضاشاه در دهه ۱۳۱۰ دولت را مسئول آن چیزی ساخته بود که پیش از آن همیشه به عنوان مسئله طبیعت

۶. اطلاعات (تهران)، ۱۹ شهریور ۱۳۲۰، ص ۱؛ همان، ۹ اسفند ۱۳۲۰، ص ۱؛ و

FRUS, 1942, 4: 128-133, 140-141.

7. Liloyd, *Food and Inflation*, P. 356.

چای شیرین و گندم به صورت نان، منابع اصلی تأمین کالری و مواد غذایی در ایران زمان جنگ بود.



رضاشاه در حال گفت وگو با مردم [۲۱۱۲-۱۲۴ط]

شناخته می‌شد. شاه کوشید تا حصول غله و توزیع شهری را از طریق هفت مجموعه انبار غله و آسیاب در شهرهای بزرگ ایران متمرکز سازد؛ اما قبل از جنگ فقط انبار غله تهران با گنجایش ۶۰/۰۰۰ تن با ذخیره‌ای شش ماهه برای تهران پیش از جنگ، تکمیل شد. زمینداران مکلف بودند سهم خود را از هر برداشت محصول، به بهای معینی پایین‌تر از قیمت‌های سایر کشورهای خاورمیانه به دولت بفرشند. این اصلاح، منجر به ساماندهی ذخیره نان پایتخت شد و تا حدی آرامش شهری را تأمین کرد؛ اما این امر همچنین مسلم ساخت که دولت مسئول هرگونه کمبود شناخته خواهد شد. بنابراین، شورشهای مربوط به نان دارای ماهیتی علناً سیاسی بود.

در سال ۱۳۲۱ کمبود نان در تهران شروع شد. اگرچه چند شورش بر سر نان و مرگ و میرهایی ناشی از گرسنگی در خارج از تهران گزارش شده بود، ولی هنوز مرگ و میری ناشی از گرسنگی در تهران گزارش نشده بود. مجلس در اسفند ۱۳۲۰ قوانینی ضد احتکار برای جلوگیری از کمبود خوراک در پایتخت وضع نمود، اما برای اجرای آنها

دیوانسالاری دولتی کارآیی نداشت. دولت که به علت ضعف داخلی از نظارت بر توزیع مواد غذایی ناتوان بود و تمایلی هم به این کار نداشت، ترجیح داد مقادیر زیادی غله از خارج خریداری کند. در فروردین ۱۳۲۱ ایران نیاز واردات گندم خود را با توجه به میزان آتی برداشت محصول در مرداد ۱۳۲۲، ۱۶۰/۰۰۰ تن برآورد کرد، اما انگلیس که بر مسیرهای حمل و نقل در ایران نظارت می‌کرد، نیاز ایران را ۳۰/۰۰۰ تن تعیین کرد و موافقت کرد که در هر ماه ۶۰۰۰ تن به ایران حمل شود. سرریدر بولارد (Sir Reader Bullard) سفیر انگلیس اصرار داشت که ایران هرگونه کمبود را باید از ذخایر وسیعی که تصور می‌شد در اختیار معامله‌گران است جبران کند، هرچند مأموران آمریکایی وجود چنین ذخایری را انکار می‌کردند. در تیر ۱۳۲۱ انبار غله تهران فقط دارای ذخیره چند روز بود و این امر انگلیس را واداشت که میزان تخمینی خود از نیازهای ایران را دو برابر کند و به ۶۰/۰۰۰ تن برساند و ۵۶۰۰ تن از گندم ارتش انگلیس را در وضعیتی اضطراری برای مصرف در تهران واگذار کند.^۸

مسئله برای انگلیس حمل و نقل بود. متفقین غربی که تأمین حداکثر جریان کمک به اتحاد شوروی را به عهده گرفته بودند، در ظرفیت ناوگان حمل و نقل خود، که در این زمان بیش از حد توسعه یافته بود، فضای اضافه چندانی نداشتند. بیست فروند کشتی باری ویژه* برای حمل ۱۶۰/۰۰۰ تن گندم درخواستی به سمت ایران مورد نیاز بود اما این کشتیها در سال ۱۳۲۱ یا سال ۱۳۲۲ مهیا نمی‌شدند مگر اینکه میزان کمک به اتحاد شوروی کاهش می‌یافت. در این ضمن، روی هم رفته، بیش از پانزده کشتی به صورت بیکار و در انتظار در بندرهای ایران لنگر انداخته و پهلو گرفته بودند. گندم برای وارد کردن احتمالاً موجود بود اما امکان حمل و نقل وجود نداشت.

این کمبودها به افزایش قیمتها کمک کرد و گندمی را که موجود بود دور از دسترس اکثر جمعیت تهران قرار داد. بین سالهای ۱۳۱۸ و ۱۳۲۲ قیمت‌های مواد غذایی به میزان ۵۵۵٪ افزایش یافت. قیمت نان^۹ در بازار آزاد تهران از شش سنت در ماه دی ۱۳۲۰ به

۸. اطلاعات، ۲۸ اسفند ۱۳۲۰، صص ۱-۳؛ همان، ۳۰ بهمن ۱۳۲۰، ص ۱؛ همان، ۲۶ آذر ۱۳۲۰؛

Lloyd, *Food and Inflation*, P. 159; *FRUS*, 1942, 4: 122-123, 142-143.

* Liberty Ships - کشتی باری کندرو که در خلال جنگ جهانی دوم به تعداد انبوهی برای بازرگانی دریایی ایالات متحده ساخته شده بود و ظرفیت حمل بیش از ۱۱/۰۰۰ تن بار را داشت.

۹. نان ایرانی، قطعه نان پخته ورنیامده مستطیل شکلی است که تقریباً ۲۲/۵ تا ۳۰ سانتی‌متر عرض، ۶۰ تا ۹۰ سانتی‌متر طول و ۱/۲۵ سانتی‌متر قطر دارد.



سر ریدر ویلیام بولارد سفیر انگلیس در ایران [۱۴۶۸-۴ع]

یک دلار در اردیبهشت ۱۳۲۱ افزایش یافت. این قیمت‌های روبه افزایش، زمینداران را تشویق کرد که ذخایر گندم خود را پنهان نگه دارند و این امر مشکلات دستیابی به گندم را بیشتر کرد. دو هفته پس از استعفای رضاشاه قیمت بازار برای گندم در مقایسه با قیمت خرید از سوی دولت با نرخ هر تن ۲۰/۱۵ دلار، به هر تن ۳۷ دلار افزایش یافته بود. در مهر ۱۳۲۰ دولت در کوشش برای کسب موافقت زمینداران با مقررات دولتی مبنی بر

اینکه آنها تمامی ذخایر خود را به دولت بفروشد، قیمت خرید را تا ۳۷/۲۰ دلار بالا برد. قیمت بازار آزاد نیز همچنان بالا می‌رفت و در اردیبهشت ۱۳۲۱ به هر تن ۱۲۴ دلار رسید.^{۱۰} دولت برای کاستن از تورم، زیر فشار متفقین و فشار داخلی قرار گرفت و نتوانست دوباره قیمت رسمی خود را بالا ببرد و این امر، توانایی دولت را در به دست آوردن ذخایر گندم کمتر کرد. در این اثنا، اقدام بخش خصوصی کوچک جای خالی دولت را پرکرد. در سال ۱۳۲۱ بازاریان و نانوایان خرید و فروش نان برای جمعیت ۷۵۰/۰۰۰ نفره تهران را در اختیار گرفتند. کمبودها، سفته‌بازی و تورم بهای نان بازار را در سطحی بالاتر از توان خرید بسیاری از این جمعیت نگه داشت. نخستین برنامه کمک دولت در پاییز سال ۱۳۲۰ متضمن راه‌حلهایی نامؤثر برای تورم و احتکار بود. دولت با تشویق جیمز پ. شریدان (James P. Sheridan)، یک مستشار خصوصی آمریکایی خوراک و ملزومات که به استخدام ایران درآمده بود، در سال ۱۳۲۱ مبارزه برای به دست آوردن غله برای انبار تهران را آغاز کرد و کوشید انحصار دولتی را دوباره برقرار کند. زمینداران و بازاریان که مجلس و بخش بزرگی از دادوستد تهران را پس از سقوط رضاشاه در اختیار خود داشتند، مانع دولت در بستن بازار آزاد شدند و به این وسیله برنامه شریدان را محکوم به شکست کردند.^{۱۱}

در اواسط سال ۱۳۲۱ دولت علی سهریلی (اسفند ۱۳۲۰ - مرداد ۱۳۲۱) ناتوانی خود را در حل مشکلات فراوان ایران ثابت کرده بود. در بیست و دوم مرداد ۱۳۲۱ مجلس دولت جدیدی را به صدارت



علی سهریلی نخست‌وزیر [۱۳۲۱-۱۳۲۴ ع]

10. *Bank Markazi Iran Bulletin* 1 (May-June 1962), 82;

یادداشتی بی‌تاریخ،

RG 59, 891. 5017/16, DSNA; Dreyfus to Hull, October 1, 1941, RG 59, 891. 5017/15, SDNA; Lloyd, *Food and Inflation*, P. 159.

۱۱. اطلاعات، ۴ بهمن ۱۳۲۰، ص ۱؛ ۱۶ بهمن ۱۳۲۰، ص ۱؛ ۲۱ فروردین ۱۳۲۱، ص ۱؛ ۲۴ فروردین ۱۳۲۱، ص ۱؛ و ۲۵ فروردین ۱۳۲۱، ص ۱.

بیش از ۸۵٪ نمایندگان مجلس، زمیندار یا بازرگان بودند. نگاه کنید به:

Ervand Abrahamian, "Factionalism in Iran: Political Groups in the 14th Parliament (1944-1946)," *Middle Eastern Studies*, 14 (January 1978), 32.



احمد قوام، یکی از نخست‌وزیران و دولتمردان عالی‌رتبه پیشین، اختصاصاً برای اصلاحات، انتخاب کرد و مورد تأیید قرار داد. در سال ۱۳۲۱ متفقین او را تنها مردی در ایران می‌دانستند که قادر به نجات اوضاع است.^{۱۲} او نخست‌وزیری خود را با قولهای بسیار، برخی اقدامات اصلاحی و عقیدهٔ راسخ آشکار، به لزوم جلب مساعدت خارجی نه تنها برای حل مشکلات متعدد ایران بلکه همچنین به منظور کسب قدرت کافی برای کاستن از نفوذ دربار در مصالح ایران، آغاز کرد. قوام در یک جلسهٔ

مطبوعاتی در مردادماه تکه نانی را کند و اعلام کرد: «این برنامه من است. اگر بتوانم نان با کیفیت خوب را به دست همهٔ ایرانیان برسانم. مشکلات دیگر به آسانی حل خواهند شد.»^{۱۳} قوام، که از اعمال نظارت‌های دقیق ناتوان بود و تمایلی به پرداخت بهای سیاسی راه‌حلهای داخلی برای بحران نان نداشت، تصمیم گرفت بازارهای ایران را با نان دارای کیفیت خوب و قیمت معین که از خارج به دست می‌آمد، پرکند. این نقشه مستلزم مذاکرات و سازشهایی با انگلیس بود که در نهایت تعیین می‌کرد که ایران چه مقدار گندم می‌تواند وارد کند. قوام پس از انجام دادن این امر، درصدد برآمد که از این موفقیت، در کشمکش‌های سیاسی داخلی خود، که در آذر ۱۳۲۱ به جنگی علنی تبدیل شد، استفاده کند. او خواستار نوعی حکومت سلطنتی بود که در آن شاه طبق قانون اساسی نقش محدود داشته باشد و برای فعالیتهای کانونهای متعدد قدرت در ایران زمان جنگ، حدودی وجود داشته باشد. اصلاحات او شامل ایجاد یک ادارهٔ خوراک در وزارت دارایی و دادن اختیارات بیشتر به شریدان بود هرچند با این اقدامات غذای بیشتری فراهم نشد. قوام پروانه‌های جدید متعددی برای روزنامه‌ها صادر کرد به این امید که بتواند حمایت مطبوعات را برای دولت خود به دست آورد؛ اما مطبوعات، به عکس، چنان به بدگویی پرداختند که قدرتهای متفق خواستار توقیف آنها شدند.

12. *FRUS*, 1942, 4:336.

13. *Ibid.*, 4: 151.



قوام موافقت مجلس را برای یک هیئت مستشاری آمریکایی به سرپرستی آرتور میلسپو (Arthur Millspaugh) مستشار مالی به دست آورد؛ اما روابط نزدیک قوام با ایالات متحده مخالفت ایرانیان طرفدار شوروی و افراد مستقلی چون محمد مصدق را با او برانگیخت.^{۱۴} نظر انگلیسیها نسبت به دولت قوام تغییر کرد؛ اما آنها به طور کلی با قوام مخالف بودند؛ زیرا به اعتقاد آنها، او به علت دشمنی مشخص با سرریدربولارد سفیر انگلیس و به این علت که انگلیسیها خواستار دولتی قوی‌تر اما فرمانبردارتر در ایران بودند

مخفیانه با نمایندگان آلمان مذاکراتی انجام داده است بازاریان به ضدیت با او پرداختند زیرا تمایل او به ایجاد تورم در اقتصاد با میلیاردها ریال اضافه با ارزشی رو به کاهش و نقشه او برای حل بحران خوراک، تسلط آنها بر بازار آزاد مبتنی بر سفته بازی را تهدید می‌کرد. قوام، به عنوان نخست وزیر، هدف حمله گروههای بسیار دیگری نیز قرار گرفت که دلیلی بهتر از افزایش نفوذ به بهای بی‌اعتباری او نداشتند. نقشه قوام، همراه با این مخالفتها، مسلم ساخت که شورش آذر ماه‌ریشه‌های خارجی و سیاسی عمیقی داشت.^{۱۵}

۱۴. قوام عهده‌دار آوردن دومین (۱۳۰۱-۱۳۰۶) و سومین (۱۳۲۱-۱۳۲۴) هیئت مستشاری مالی آمریکایی به ایران بوده است. در مورد مخالفت مصدق، نگاه کنید به: حسین کی استوان. سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم، ج ۲. (تهران، ۱۳۲۸-۱۳۲۹). ج ۱، صص ۹۰-۹۱.

15. Dreyfus to Hull, August 9, 1942, RG 59, 891.00/1902, DSNA; *New York Times*, August 4, 1942, P. 36; Abrahamian, *Iran Between Two Revolutions*, P. 181; Nasrollah S. Fatemi, *Oil Diplomacy: Powderkeg in Iran* (New York, 1954), P. 208; Enclosure ind Bullard to Baxter, May 7, 1954, FO371, 45432.

در:

Rose L. Greaves, "1942-1976: The Rign of Mohammad Riza Shah,"

در:

Hossein Amirsadeghi and R.W. Ferrier, eds. *Twentieth-Century Iran*. (New York, 1977), pp. 56-57.

در طول سال ۱۳۲۱ شکست کوششهای مختلف برای حل بحران گندم نشان داد که فقط واردات انگلیسیها می‌توانست کمبودها را پایان بخشد. اما توجه انگلیسیها بیشتر روی مسائل خودشان در ایران از جمله کمبود ریالهای ایرانی برای پرداخت حقوق ۷۵۰۰۰ ایرانی تحت استخدام انگلیس و خرید مواد غذایی و ملزومات برای این کارگران و سربازان انگلیسی متمرکز بود. در آذر ۱۳۲۱، ۲۵٪ تمام ریالهای منتشر شده، برای تأمین احتیاجات انگلیسیها خرج شد و این امر راههای معمول مبادله پوند و ریال را غیرعملی ساخت. ارزش ریال که به علت مبادلات زیاد با پوند و خودداری دولت از انتشار ریال به منظور کاهش تورم، قدرت گرفته بود نسبت به پوند سریعاً بالا رفت و در بهمن ۱۳۲۰ هزینه‌های انگلیس در ایران به علت کاهش ارزش پوند نسبت به ریال، به طور مصنوعی ۳۰٪ افزایش یافت.^{۱۶} ایران که به علت محدودیتهای زمان جنگ در زمینه تجارت، از مصرف موجودیهای پوند خود ناتوان بود، شروع به درخواست کالا یا طلا در عوض ریال کرد. انگلیسیها که به علت کمبود پول خودی، تلاشهای جنگی خود را متوقف ساخته بودند نمی‌توانستند کالای بیشتری به ایران حمل کنند و طلا را به مقادیر زیاد تبدیل به پول نمی‌کردند و از پرداخت هزینه اضافه پوند کم ارزش شده خودداری می‌کردند.

پاسخهای اولیه انگلیس به انتشار توأم با خست ریال در ایران بی‌اثر بود؛ اما در پنجم خرداد ۱۳۲۱، که ایران قول داد ریالهایی «به مقادیر کافی» برای تبدیل به پوند منتشر کند و انگلیس قول داد که برای ۳۵٪ ذخایر پوند ایران طلا فراهم سازد، توافق حاصل شد. نرخ تبدیل به میزان ۳۲ ریال برای هر دلار و ۱۲۸ ریال برای هر پوند تثبیت شود؛ اما این توافق به ایران اختیار داد تا تعیین کند که چند ریال کافی است. در مهر ۱۳۲۱ درخواستهای انگلیس ریالهایی را که ایران منتشر کرده بود به بیش از دو میلیارد ریال رساند که ۵۰٪ بیشتر از تمام ریالهای منتشر شده در سال ۱۳۲۱ بود. تبدیل پول، که به صورت یک مشکل در آمده بود، تا دو هفته پیش از شورش نان ادامه یافت.^{۱۷}

طی ماههای میانی سال ۱۳۲۱ وضع گندم در تهران روزبه‌روز بدتر شد. امید پنهان در پس تمامی تصمیمات اتخاذ شده در مورد خوراک طی تیرماه ۱۳۲۱ این بود که برداشت محصول سال ۱۳۲۱ در ماههای تیر و مرداد، مشکلات ایران را حل کند. در این ضمن

۱۶. اطلاعات، ۳ بهمن ۱۳۲۰، ص ۱؛ و

FRUS, 1942, 4: 301.

17. FRUS, 1942, 4: 152,155-157.

متفقین ۵۰/۰۰۰ تن گندم، که البته بیشتر برای استفاده خودشان بود، به ایران حمل کرده بودند و شیریدان، مستشار خوراک، در حال ترتیب دادن یک شیوه مؤثرتر برای جمع‌آوری و توزیع غله بود. با وجود این، در اواسط مرداد ماه ترس از کمبود غله، جایگزین هرگونه خوش‌بینی موجود گردید. گزارشهایی از شورشهای کوچک بر سران در شهرها و قصبات منتشر شد و حضور سواره نظام در تهران برای سرکوب تظاهرات تازه آغاز شده در نزدیکی نقاط توزیع گندم، لازم بود. در اواخر مهرماه ذخایر انبار غله تهران تا حد یک موجودی دو روزه کاهش یافته بود و مصرف، بسیار بیشتر از موجودی بود. گندم هنوز موجود بود اما احتکار و به خصوص مشکلات جمع‌آوری و توزیع، کمبود و خیمی را در پایتخت پدید آورد.^{۱۸}

توجه انگلیسیها همچنان روی مسائل دیگر متمرکز بود و آنها مایل بودند از وزارت غله برای فشار آوردن بر دولت ایران استفاده کنند تا درخواستهای آنها را انجام دهد. ابتدا چندتن از ایرانیان دارای گرایشهای هواداری از آلمان باعث نگرانی در میان مأموران امنیتی و اطلاعاتی انگلیس شدند. از آنجا که آنها شهروندان ایران بودند، بازداشت این خطرهای بالقوه برای امنیت گذرگاه ایران، در حدود اختیارات دولت ایران قرار داشت. انگلیس این ایرانیان را خطری فوری می‌دانست در حالی که کارگزاران دولت ایران معتقد بودند که آنها دارند با مردم ایران در تجربه این کشور در مردم سالاری دوران جنگ مشارکت می‌کنند.^{۱۹}

روزی که احمد قوام رأی تمایل مجلس ایران را به نخست‌وزیری خود به دست آورد سفیر انگلیس به منظور درخواست دستگیری چهل ایرانی طرفدار آلمان با او ملاقات کرد. برای انگلیس فقط سوءظن دلیلی کافی برای بازداشت بود؛ اما قوام حاضر شد آن چهل نفر را تنها ظرف ۲۴ ساعت بازداشت کند مشروط براین که مدرکی دال بر قصد آنها برای براندازی ارائه شود. قوام، تحت فشار انگلیس و خودداری آن دولت از ارسال غله، در اوایل شهریورماه با درخواستهای بریتانیا برای بازداشت دائم آن چهل نفر موافقت کرد و فقط پس از آنکه شخصاً مسئولیت امر را پذیرفت موافقت مجلس را با این امر

18. Ibid

۱۹. دولت ایران داشت در برابر «ناپدیدشدنهای نیمه‌شب»، از ویژگیهای دوران سلطنت رضاشاه، واکنش نشان می‌داد و از این رو پیش از موافقت با دستگیری مظنونان، خواستار مدرک خلافکاری شد. نگاه کنید به:

FRUS, 1942, 4: 339.

کسب کرد. در اوایل آبان ماه هنگامی که مأموران اطلاعات انگلیس شماری سند مبنی بر ارتباط چند کارگزار عالی‌رتبه ایرانی با فرانتس مایر (Franz Meyer) نماینده آلمان در ایران به دست آوردند، مشکل دوباره چهره نمود.^{۲۰}

دولت قوام همچنین برای موافقت با توافق مربوط به تبدیل پول در پنجم خرداد ۱۳۲۱ تردید داشت. در اواخر مهرماه میزان درخواستهای بریتانیا برای ریال به دو میلیارد رسیده بود درحالی که میزان درخواستهای قوام برای واردات غله به ۱۰۰/۰۰۰ تن بالغ شده بود. قوام و بولارد سفیر انگلیس در بیست و هشتم مهر به توافق رسیدند. قوام می‌بایست لایحه‌ای به منظور گرفتن اختیارات برای انتشار دو میلیارد ریال به مجلس ارائه می‌داد و بولارد می‌بایست تأمین خوراک کافی برای ایران را تضمین می‌کرد. با وجود این، مجلس، مطبوعات و مردم ایران درخواستهای انگلیس را به منزله سوق دادن ایران به سوی تورم و گرسنگی تلقی می‌کردند. بنابراین، قوام می‌بایست لایحه پول را بر مجلس تحمیل کند، اما فقط پانصد میلیون ریال تصویب شد نه دو میلیارد ریال، و این مبلغ می‌بایست به تدریج انتشار یابد.^{۲۱}

این وقایع، درخواستهای انگلیس برای اقدام فوری را به نحو فزاینده‌ای قابل قبول ساخت. بولارد سفیر انگلیس در شانزدهم آبان در پیامی به نخست وزیر قوام مصرانه درخواست کرد که چند ایرانی فوراً دستگیر شوند، مجلس اختیار نظارت کامل بر انتشار ریال را به قوام واگذار کند و متفقین قادر باشند که از قوام بخواهند برای برآوردن خواسته‌های آنها در هیئت وزیران خود تغییراتی به عمل آورد. طبق گفته بولارد حمل مواد غذایی بیشتر به ایران فقط در صورت پذیرفتن این سه درخواست انجام می‌شد. درخواستهای بولارد چنان سنگین و تحمیلی بود که سفیر آمریکا در ایران پیش بینی کرد که انگلیس از این مسائل برای توجیه اشغال تهران استفاده خواهد کرد.^{۲۲} یک هفته بعد از مأموران آمریکایی دو سند انگلیسی به دست آوردند. در یک سند طرحی برای تعویض دولت قوام با یک دولت طرفدار انگلیس به رهبری محمدصادق طباطبایی مطرح شده بود در حالی که سند دوم حاکی از برنامه‌ای برای کاهش قدرت شاه، افزایش تعداد

20. *FRUS, 1942, 4: 339.*

21. *FRUS, 1942, 4: 160-161;*

اطلاعات، ۳۰ مهر ۱۳۲۱، ص ۱؛

FRUS, 1942, 4: 166-167, 179.

22. *FRUS, 1942, 4: 180-181, 176.*

مستشاران آمریکایی، اعمال نظارت‌های سختگیرانه بر مطبوعات و ایجاد یک شورای جنگی متفقین برای اداره حکومت ایران بود. انگلیس همچنین شاه را تحت فشار قرارداد تا مجلس را تهدید به انحلال کند. مجلس ایران به اندازه کافی ترسانده شده بود. در بیست و نهم آبان مجلس اختیار خود در مورد پول را به یک مجمع منتخب نظارت بر ذخیره اسکناس مربوط به متفقین واگذار کرد و حاضر به قبول تبدیل ریال شده به این صورت که ۶۰٪ آن با طلا و ۴۰٪ آن با پوند و دلار باشد. در مقابل، متفقین موافقت کردند که بلافاصله وارد کردن ۲۵۰۰۰ تن گندم را اعلام کنند و همه قدم‌های ممکن را برای تأمین موجودی کافی نان برای ایران بردارند. با وجود این، انگلیس اعلام ورود گندم را به تأخیر انداخت تا دولت ایران را برای دادن امتیازات بیشتر در زمینه موضوع دستگیریه‌ها، بودجه‌ای برای سال ۱۳۲۲ و لایحه‌ای برای افزایش اختیارات آرتور میلسپو تحت فشار قرار دهد.^{۲۳}

در این ضمن، وضعیت گندم، که در این زمان وسیله معامله میان ایران و انگلیس بود، همچنان بدتر می‌شد. شریدان بعضی اصلاحات را انجام داده بود از جمله نظارت افزایش یافته دولت بر جمع‌آوری مواد غذایی، جیره‌بندی چای و شکر و تأسیس مکانهای توزیع مواد غذایی دولتی برای تهیدستان تهران؛ اما هم کیفیت و هم کمیت منبع عمده خوراک تهران همچنان رو به تنزل می‌رفت. دولت ابتدا کوشید از انبار غله، آرد ارزان برای توزیع نهایی به نانوایان بازار بفروشد؛ اما هنگامی که ذخایر غله کم شد دولت مجبور گردید برای برآوردن تقاضا شروع کند به مخلوط کردن آرد خود با سبوس جو و گندم. نانی که به این طریق به دست می‌آمد، بد و نامناسب بود. نانوایان محلی وضع را بدتر کردند. آنها سبوس جو و گندم را با الک کردن جدا می‌کردند و با آرد باقی مانده که کیفیت خوبی داشت برای مشتریان ثروتمند دائمی خود نان می‌پختند. آنها برای پختن نان ارزان قیمتی که در اصل در برنامه اعانه شریدان در نظر گرفته شده بود خاکستر، خاک اره، مواد آلوده و سنگ ریزه به سبوس جو و گندم اضافه می‌کردند. تهیدستان تهران مجبور به خوردن این نان غالباً فاسد، آلوده و تلخ بودند. بی‌عدالتیها و مشکلات کیفیت

23. Ibid., 4: 195-196; Dreyfus to Hull, November 18, 1942, RG 59, 891.00/1970, DSNA; *FRUS*, 1942, 4: 202-3, 206.

ایالات متحده نیز تهدید کرد که از حمل مواد غذایی به ایران خودداری خواهد کرد تا به این ترتیب دولت ایران را وادار کند تا در مورد احتکار گندم و قطع روابط سیاسی خود با ژاپن اقدام کند.

این شیوه باعث شماری تظاهرات در پایتخت شد. کوشش برای استفاده از تنوره‌های بزرگ وارد شده از آمریکا برای تولید نان دارای کیفیت مناسب در انبار غله، در آغاز با شکست روبه‌رو شد زیرا این تنورها نان خمیرمایه‌ای تولید می‌کردند.^{۲۴}

مداخله متفقین، به تشدید مشکل گندم تداوم بخشید. روسها نه فقط از دادن ۳۵۰۰۰ تن گندک مازاد از آذربایجان که در سال ۱۳۲۱ در اساس برای حمل به تهران برنامه‌ریزی شده بود خودداری کردند بلکه در اول آبان تمایل خود را به خرید ۵۰۰۰ تن دیگر گندم، ۱۵۰۰۰ تن دیگر جو و ۳۰/۰۰۰ تن دیگر برنج، به دولت ایران اطلاع دادند.^{۲۵} در اواخر آبان ماه مأموران شوروی به طور غیر رسمی با ترخیص ۷۵۰۰ تن از گندم آذربایجان برای تهران موافقت کردند؛ اما این گندم به موقع نرسید تا از شورشهای آذرماه جلوگیری کند. انگلیس به تأخیر در حمل غله به تهران ادامه می‌داد تا دولت ایران را برای اتخاذ موضعی طرفدارانه‌تر نسبت به انگلیس زیر فشار قرار دهد؛ مثلاً در اواخر مهرماه مبادله ۵۰۰۰ تن گندم با ۲۵۰۰۰ تنگ ایرانی را به قوام پیشنهاد کرد. در آبان ماه ایالات متحده و انگلیس به علت تحمل ضایعات سنگین در برابر زیردریایها در اقیانوس اطلس، می‌بایست حمل کالا به خاورمیانه را به میزان ۵۰٪ کاهش دهند و این امر باعث کاهش میزان واردات مواد غذایی به ایران شد، میزانی که در این موقع کم شده بود. توافقنامه بیست و نهم آبان متفقین و ایران که شامل قولهای متفقین برای تأمین غله کافی برای ایران بود به صورت سندی مرده درآمد.^{۲۶}

در آبان ماه شورشهای فزاینده بر سرنان در نواحی غیر از پایتخت شروع شد؛ هرچند خود تهران نسبتاً آرام باقی ماند. کنسول انگلیس در تبریز گزارش داد که هیچ غله‌ای در حال حمل به تهران نیست؛ زیرا غله سریع‌تر از آنکه بتوان آن را جمع‌آوری نمود در حال مصرف شدن است. دهقانان از بیم قحطی، مشغول ذخیره کردن غله بودند. قیمت دولتی ۹۳ دلار برای هر تن گندم بسیار پایین‌تر از آن بود که فروشندگان را جلب کند و این در حالی بود که قیمت بازار آزاد ۱۸۶ دلار بود و دولت به اجرای مقررات و قوانین خود

۲۴. اطلاعات، ۹ اردیبهشت ۱۳۲۱، ص ۱؛ کی استوان، سیاست موازنه منفی، ج ۱، ص ۹۱؛ کرمانی، از شهروبر ۱۳۲۰، ج ۲، صص ۹، ۴۰-۴۱، ۲۸۶؛

Lloyd, *Food and Inflation*, pp. 164, 241-242; Millspaugh *Americans in Persia*, pp. 108-109;

و اطلاعات، ۲۶ مهر ۱۳۲۱، ص ۱.

25. *FRUS*, 1942, 4: 165-166.

26. *Ibid.*, 4: 160-165-166, 155-157, 218; Lloyd, *Food and Inflation*, pp. 163-164.

نمی‌پرداخت. کنسول انگلیس در مشهد گزارش داد که هیچ ارسال غله‌ای در کار نیست؛ زیرا کارگزار دولت در خراسان که مسئول جمع‌آوری غله برای تهران است «به کلی فاسد» و بزرگ‌ترین محترک غله در سراسر استان است. در اهواز قیمت فروش گندم ۳۷٪ بالاتر از قیمت رسمی دولتی بود. شریدان مستشار مواد غذایی در بیست و سوم آبان گزارش داد که میزان ورود غله به انبار غله تهران و میزان خروج غله از آن تقریباً برابر است اما فقط ذخیره یک نصفه روز باقی مانده است. در هفدهم آذر، روز شورش، سهمیه‌های نان برای تنگدستان تهران در مراکز توزیع دولتی کاهش یافت. هزاران تظاهرکننده در میدان بهارستان گردآمدند. آنها شعار می‌دادند: «می‌توانید ما را بکشید اما ما نان می‌خواهیم». شورش گرسنگان آغاز شده بود.^{۲۷}

بحران سیاسی ایران نیز در اواسط آذرماه به اوج رسید. نخست‌وزیر قوام همه نفوذ خود را برای تسلط بر مجلس به کار برده بود؛ در اواسط مرداد ماه برای کسب موافقت مجلس به منظور دستگیری ایرانیان هوادار آلمان سیاست تطمیع (تملق) و تهدید را در برابر مجلس در پیش گرفت. او برای کسب موافقت مجلس در مورد هیئت مستشاری مالی میلسپو در بیست و یکم آبان، می‌بایست نمایندگان را در مورد اهمیت به دست آوردن غله آمریکایی و مداخله آمریکا در مقابل انگلیسیها و روسها در ایران، متقاعد کند؛ و در بیست و نهم آبان، نخست‌وزیر به منظور واداشتن مجلس به دست کشیدن از نظارت خود بر انتشار پول، می‌بایست تهدید انگلیس به اشغال تهران و تهدید شاه به انحلال مجلس را به رخ آنها بکشد. در اواسط آذرماه، مجلس با نطقهای طولانی نمایندگان، نسبت به هرگونه اقدام در مورد لایحه بودجه و لایحه واگذاری اختیارات تام به میلسپو برای شروع اصلاحات اساسی، مخالفت کرد. در زمان شورش، کار مجلس متوقف شده بود.^{۲۸}

مراکز گوناگون سیاسی قدرت در ایران، با مشاهده ناتوانی دولت قوام و بی‌حرکی

27. Dreyfus to Hull, November 4, 1942, RG 59, 891. 00/1936, DSNA; Foreign office, Consular Reports, "Tabriz Diary No. 6," November 1942, F.O. 371, E80/80/34, piece number 35092, Foreign office Correspondence, 1943, Public Record Office, London (PRO پس از این); "Meshed Political Diary No. 24," November 1942, F.O. 371, E7/7/34, piece number 35061, 1943, PRO; "Ahwaz Consulate Diary," November 1942, F.O. 371, E79/79/34, piece number 35090, 1943, PRO; *FRUS, 1942*, 4: 195-196, 207-208; Dreyfus to Hull, December 14, 1942, RG 59, 891.00/1941, DSNA.

28. *FRUS, 1942*, 4: 206.

مجلس، یا برای شکستن بن‌بست و یا برای استفاده از بن‌بست به نفع خود، به تدابیر مختلفی دست زدند. انگلیس از شاه خواست که مجلس را منحل کند، و خود به طرح‌ریزی برای ایجاد یک دولت جدید فرمانبردارتر پرداخت. قوام برای توقیف مطبوعات منتقد، کسب حمایت بریتانیا به وسیله دادن امتیازات گوناگون، خنثی کردن رأی عدم اعتماد احتمالی مجلس و فشار آوردن بر مجلس برای واگذاری اختیارات بیشتر به او برای رسیدگی به مسائل بحرانی، به طرح‌ریزی پرداخت. شاه به انحلال مجلس، مجبور ساختن قوام به استعفا و تشکیل دولتی نظامی تمایل داشت. شورش سیاسی آغاز شده بود.^{۲۹}

در هفدهم آذر همه این عوامل در خیابانهای تهران به هم پیوستند. صبح زود گروهی از شاگردان مدارس و زنان بچه در بغل، به روالی که طی چند ماه پیش از شورش عمل کرده بودند، برای مطالبه نان در مقابل مجلس تجمع کردند. به دانشجویان دانشکده حقوق دانشگاه تهران، بدون اطلاع قبلی، گفته شد که کلاسها در آن روز تعطیل است. کلاسهای دیگر نیز تعطیل شدند. دانشجویان بلافاصله یک راهپیمایی به طرف مجلس، که حدود پنج کیلومتر دورتر بود، ترتیب دادند تا خواستار نان و اقدام فوری در مورد بعضی مسائل شوند. یک ساعت بعد مأموران دولت به دستور نخست‌وزیر شروع کردند به بستن دفاتر بسیاری از روزنامه‌های تهران و تعطیل کار آنها برای مدتی نامعین.

دانشجویان در میدان بهارستان^{۳۰} تجمع کردند تا درخواستهای خود را به اطلاع مجلس، که جلسه داشت، برسانند و به یک رشته سخنرانی گوش دهند. آنها در آنجا به گروههایی از کودکان و زنان متقاضی نان و دسته‌هایی به رهبری لوطی‌ها، که از مسیر جنوب تهران می‌آمدند، پیوستند. پلیس به نحوی آشکار از صحنه عقب نشست. تحریک‌کنندگان جمعیت کار خود را انجام دادند و جمعیت معترض را به صورت جمعیتی مهاجم درآوردند. یکی از سخنرانان اعلام کرد که در صبح آن روز زاهدی استاندار اصفهان به علت عضویتش در حزب ملیون ایران و به دلیل روابطش با فرانتس

29. Mohammad Reza Pahlavi. *Mission for my Country*. (London, 1960). P. 76; *FRUS, 1942*, 4: 195-196; Dreyfus to Hull, November 18, 1942, RG 59, 891.00/1970, DSNA; Dreyfus to Hull, December 8, 1942, RG 59, 891. 00.1981, DSNA; Avery, *Modern Iran*, P. 366.

۳۰. میدان بهارستان یا مجلس، یک عرصه باز وسیع درست در مقابل ساختمان مجلس و در تقاطع سه خیابان اصلی این‌سینا، شاه‌آباد و مدرس است. بنابراین آنجا برای گردهمایی معترضان و شورشیان مکانی کاملاً مطلوب بود.

مایر نماینده آلمان، بدون خبر توسط سربازان انگلیس دستگیر شده است. جمعیت با یک سلسله شعار ضدانگلیسی پاسخ دادند.^{۳۱}

سخنران دیگری اعلام کرد که سهمیه‌های نان برای تنگدستان در محل‌های توزیع دولتی، درست در همان روز دوباره کاهش یافته است. ستوان استیفن تیمرمن (Stephen Timmerman) مستشار آمریکایی پلیس شهری ایران گزارش داده است که سرهنگ ابراهیم ارفع را که یکی از معتمدان نزدیک شاه بود دید که جمعیت را مورد خطاب قرار داد و به آنها اطمینان داد که ارتش دستور صریح دارد که در آن روز مداخله نکند. افراسیاب آزاد سردبیر روزنامه نامه آزاد برای جمعیت سخنرانی کرد و خواستار استعفای قوام شد. تعدادی از نمایندگان مجلس نیز تحت هدایت جواد مسعودی برای جمعیت صحبت کردند. ظاهر شدن نمایندگان، همه آرامش و خویشتنداری جمعیت را از میان برد. مسعودی به شدت کتک خورد. یک گروه حمله بردند و ساختمان مجلس را اشغال کردند و نمایندگان را بیرون راندند و به ساختمان مجلس خسارت وارد آوردند. سپس جمعیت مهاجم از میدان بهارستان خارج شد، به خیابان سیروس یکی از خیابانهای تجاری اصلی سرازیر شد و به سمت بازار تهران که حدود سه کیلومتر دورتر قرار داشت حرکت کرد. آنها ابتدا شیشه‌ها و تابلوهای مغازه‌ها و اماکن دیگر را درهم شکستند؛ بعد شروع کردند به غارت فروشگاههای مواد غذایی و سرانجام غارت همه مغازه‌ها. هنگام غروب، گروههایی کوچک‌تر همراه با رهبران خود از جمع اصلی شورشیان جدا شدند و شروع کردند به غارت دست‌چین شده مغازه‌های عرضه کننده اجناس کمیاب یا گرانبها به خصوص مغازه‌های متعلق به یهودیها و ارمنیها، یک گروه به خانه نخست وزیر قوام حمله کردند و اثاثیه آن را به آتش کشیدند. در ساعت شش بعد از ظهر ارتش و پلیس به مرکز تهران بازگشتند. هشت تانک ظاهر شدند و به شلیک گلوله‌های مشقی پرداختند؛ اما تلاشی جدی برای بازگرداندن نظم به عمل نیامد. تاریکی باعث شد که برای آن روز شورش تخفیف یابد.^{۳۲}

31. Dreyfus to Hull, December 8, 1942, RG 59, 891.00/1958, DSNA; Dreyfus to Hull, December 12, 1942, RG 59, 891.00/1965, DSNA; *FRUS, 1942*, 4: 207-208.

۳۲. شاه بلافاصله پس از شورش، سرهنگ ارفع را به سرتیپی ترفیع داد. در مورد شرح مشاهدات یک شاهد عینی از اعمال جمعیت مهاجم در ساختمان مجلس، نگاه کنید به: کرمانی. از شهریور ۱۳۲۰، ج ۲. صص ۳۴۹-۳۵۶.



احمد قوام نخست‌وزیر و چند تن از اعضای کابینه وی [۲۳۳۷-۱۱ع]

با وجود این، فعالیت سیاسی نخبگان در تمام طول شب ادامه یافت. حزب پیکار (جوانان)، چند سردبیر روزنامه‌ها، عده‌ای از نمایندگان مجلس، یکی از نخست‌وزیران پیشین و یکی از رؤسای سابق اداره خوراک کوشیدند قوام را وادار به استعفا به نفع علی سهیلی کنند.^{۳۳} شاه و اطرافیان نظامی او از جمله [یزدان] پناه رئیس ستاد ارتش و رادسر رئیس پلیس تهران چندبار به قوام توصیه کردند که استعفا کند به این امید که به جای او دولتی نظامی روی کار بیاورند. قوام با اتکا به اعلام حمایت انگلیس، شوروی و آمریکا، از استعفا خودداری کرد. به جای آن، دستور داد برای بازگرداندن نظم اقدامات فوری به عمل آید. این اقدامات عبارت بودند از: ممنوعیت عبور و مرور در شب از ساعت ۸ بعدازظهر، توقیف کامل تمام روزنامه‌ها، سانسور رادیو تهران، انتشار یک روزنامه رسمی دولتی (اخبار روز) و گماردن سپهبد احمدی برای برقراری دوباره نظم

۳۳. در مورد فهرست افراد دست‌اندرکار توطئه، نگاه کنید به:

در خیابانهای تهران.

در هجدهم آذر رویدادها، همان‌طور که در روز قبل شروع شده بود، آغاز شد. گروههایی از دانشجویان در دانشگاه تهران هنگامی که کلاسها دوباره تعطیل گردید سازماندهی شدند و به راهپیمایی به طرف مجلس پرداختند. اما این بار نیروهای پلیس عقب‌نشینی نکردند. آگهیهای نصب شده بود که قصد کارگزاران حکومت نظامی را برای جلوگیری از هرگونه تظاهرات نشان می‌داد. سپهد احمدی مسلسلها و تانکهایی در تقاطعهای مهم قرار داده بود. سربازان انگلیسی و لهستانی^{۳۴} در میدانهای بزرگ به چشم می‌خوردند. در میدان بهارستان سربازان ایرانی با شلیک مسلسل به مقابله با جمعیت دانشجو و دیگر افراد همراه آنان پرداخته و آنها را متفرق کردند. در نتیجه کشتاری که رخ داد حدود ۶۰۰ نفر کشته یا زخمی شدند. این کار برای نمایش دادن قدرت و جرئت دولت کافی بود. همه مغازه‌ها بسته شدند و در خیابانها جز گشتیهای نظامی حاضر در همه‌جا، کسی دیده نمی‌شد. ممنوعیت عبور و مرور در شب از ساعت ۸ بعدازظهر که به شدت اجرا شد، آرامش را در تمام مدت شب برقرار کرد. روزنامه دولت، اخبار روز، برای نخستین بار در غروب هجدهم آذر منتشر شد و دستگیری رئیس پلیس تهران را اعلام کرد که سپر بالای موقت در مقابل شورش شد. قوام با تعطیل کردن مجلس تا بیست و هشتم آذر و گوشمالی دادن شاه، تحت حمایت انگلیس سلطه و موقعیت خود را تثبیت کرد. بعضی از مغازه‌ها در نوزدهم آذر و تمامی آنها در روز بعد دوباره باز شدند.^{۳۵}

شورش نان، آشفتگیهای عمیق و دراز مدت بسیاری به همراه داشت. در آغاز، وضع تهیدستان کم‌غذای تهران که تعداد آنها بر شدت و وسعت شورش افزوده بود، تغییری نکرد. پس از یک سرشماری در بیست و هفتم آذر، برای همه اهالی تهران کارتهای جیره صادر شد که در آنها ۸۰۰ گرم نان جو برای هر کارگر و ۴۰۰ گرم برای هر فرد دیگر در هر

۳۴. در سال ۱۹۴۱ (۱۳۲۰) از میان سربازان و آوارگان لهستانی اسیر شده توسط روسها در سال ۱۹۳۹ (۱۳۱۸) ارتشی به نام «ارتش آزاد لهستانی»، در ایران تأسیس شد.

۳۵. در مورد رخدادهای هفدهم و هجدهم آذر ۱۳۲۱، نگاه کنید به:

Dreyfus to Hull, December 9, 1942, RG 59, 891.00/1962, DSNA; Dreyfus to Hull, December 8, 1942, RG 59, 891.00/1961, DSNA; "The Recent Disorders in Tehran," February 3, 1943, RG 226, 28127, Numerical Files, Office of Strategic Services, National Archives

(از این پس OSSNA)؛ کرمانی، از شهریور ۱۳۲۰، ج ۲، صص ۳۰۱-۳۲۹.

FRUS, 1942, 4:207-222.

روز به بهای تقریباً سه سنت از سوی نانواییهای انبار غله در نظر گرفته شده بود. این مقدار بیش از ۶۰٪ کمتر از مصرف میانگین در طول ادوار عادی تر بود.^{۳۶} با وجود این، بازار آزاد همچنان دایر بود و در آنجا نان سفید با کیفیت خوب را با تقریباً یک دلار برای هر ۴۰۰ گرم می‌شد به هر مقدار خرید. بازار آزاد، تا زمانی که در دوازدهم مرداد ۱۳۲۲ آرتور میلسپو آن را تعطیل کرد، همواره برای گندم کمیاب پیشنهادی بیشتر از پیشنهاد انبار غله می‌داد. با وجود این، جیره‌بندی یک راه‌حل نبود زیرا تهران همچنان فاقد غله کافی بود و این امر شریکان را واداشت که از متفقین تقاضا کند که تا زمان برداشت محصول سال ۱۳۲۲ هر ماه ۱۰/۰۰۰ تن گندم تحویل دهند. مأموران آمریکایی که به علت شدت شورش، برای اقدام در حال آماده‌باش بودند، با وعده و آگذاری ۲۵۰۰۰ تن گندم برای حمل فوری به ایران، پاسخ دادند. مأموران انگلیسی با آگذاری ۱۰/۰۰۰ تن دیگر گندم به اضافه ۱۶۴۰۰ تن جو از عراق موافقت کردند. با وجود این، در بهمن ماه ایالات متحده برای حمل تنها ۸۰۰ تن به ایران جا پیدا کرد که فقط برای احتیاجات سه روز تهران کافی بود. در اسفند ماه بیش از ۱۲۲۰۰۰ تن بار، که برای کمک به اتحاد شوروی در نظر گرفته شده بود، در جنوب ایران در انتظار انتقال از کشتی به وسایل نقلیه دیگر بود و نظام حمل و نقل ایران را متوقف کرده بود. یک مرتبه هفده روز طول کشید تا گندم را بار بزنند و با کامیون به تهران برسانند. با وجود این، در خرداد ۱۳۲۲ مشکل تغذیه تهران تخفیف یافته بود. روسها در فروردین ۱۳۲۲ با آگذاری ۲۵۰۰۰ تن از گندم آذربایجان موافقت کردند و ۴۵۰۰ تن نخست آن در خرداد ۱۳۲۲ رسید. ایالات متحده و انگلیس در خرداد ۱۳۲۲ تقریباً ۵۰/۰۰۰ تن غله به ایران حمل کرده بودند. واردات مداوم متفقین، افزایش برداشت محصول سال ۱۳۲۲ و استفاده از کامیونهای متفقین برای جمع‌آوری و توزیع، در پاییز سال ۱۳۲۲ به بحران خوراک زمان جنگ در ایران خاتمه داد.^{۳۷}

۳۶. چهارصدگرم نان ورنیامده، حاوی تقریباً ۱۱۰۰ کالری است که دقیقاً بالاتر از میزانی بود که در جنگ جهانی دوم به عنوان سقف گرسنگی در نظر گرفته شده بود.

37. "The Recent Disorders in Tehran"; Lioyd, *Food and Inflation*, pp. 240, 164-165; *FRUS*, 1943, 4: 603, 606-608, 610-615, 623, 576;

گزارشی بی‌عنوان،

October 13, 1944, RG 226, L4946, OSSNA;

←

شورش، دولت قوام را نیز سرانجام به زیر کشید. به نظر می‌رسید که قوام روزبه‌روز مستبدتر می‌شود. آشکارترین نشانه استبداد او توقیف مداوم مطبوعات به دستور او بود. او از عهده حل مشکلات غذایی ایران برنیامده بود. و بروز شورش نان این ناتوانی او را آشکار کرد. روزبه‌روز آشکارتر می‌شد که او آلت دست انگلیس است و این امر به دلیل پافشاری او در طرفداری از انگلیس در امر انتشار پول، بازداشت ایرانیان هوادار آلمان، استفاده از سربازان انگلیسی برای سرکوب شورشهای آذر ۱۳۲۱ و ترمیم هیئت وزیران خود در اول بهمن ۱۳۲۱ برای برآورده ساختن درخواستهای انگلیس، به اثبات رسید. در هفدهم بهمن ۱۳۲۱ ده وزیر برای تثبیت قانونی بودن* پیشنهاد قوام مبنی بر اجازه دادن به وزیران برای حفظ کرسیهای خود در مجلس در مدت خدمت در دولت وی، استعفا کردند. در بیست و چهارم بهمن ۱۳۲۱ مجلس در مخالفت با این پیشنهاد و به نفع علی سهیلی رأی داد تا به عنوان نخست وزیر جانشین قوام شود. شورش، حاکی از بازگشت سربازان اشغالگر متفقین به تهران بود. آنها تا شانزدهم مرداد ۱۳۲۴ در تهران باقی ماندند و مأموران انگلیس و شوروی به منظور اعمال نفوذ بر سیاست ایران که به خصوص در طول بحران امتیاز نفت در آذر ۱۳۲۳ آشکار بود، آنها را مورد استفاده قرار دادند. شورش همچنین حاکی از بازگشت لوطی‌ها برای اعمال نفوذ در تهران بود. فعالیتهای آنها، به خصوص طی تظاهرات خیابانی، بر سر امتیازات نفت در اواسط سال ۱۳۲۳، بر سر تجزیه‌طلبی آذربایجانیها و عقب‌نشینی شوروی از شمال ایران در سال ۱۳۲۵ و به هواداری از مصدق و شاه در دوره ملی شدن نفت در سالهای ۱۳۳۰-۱۳۳۲ آشکار شد. سرانجام اینکه شورش، زمینه‌های مناسبی نیز برای گسترش سریع حزب کمونیست توده در سالهای ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ ایجاد کرد.^{۳۸}

→ و گزارشی بی‌عنوان،

November 7, 1944, RG 226, L49151, OSSNA.

* لازم به یادآوری است که در متن انگلیسی تنها عبارت *to test the constitutionality* در اشاره به علت استعفای ۱۰ تن از وزرا استفاده شده است. و مشخص نیست که آیا این ۱۰ تن وزیر در موافقت با پیشنهاد قوام استعفا کردند یا در مخالفت با پیشنهاد وی به صورت مذاکرات مجلس در ۲۴ بهمن ۱۳۲۱ که لایحه مذکور توسط قوام به مجلس ارائه و پیرامون آن صحبت و مذاکرات شده بود و منابع دیگر نظیر روزشمار دکتر باقر عاقلی، از سیدضیاء تا بختیار بهنود، و کابینه‌های ایران از مشیرالدوله تا بختیار عاقلی. و نشریات سال ۱۳۲۱ مراجعه کرد ولی متأسفانه درخصوص علت استعفای این ۱۰ وزیر کابینه قوام چیزی گفته نشده است.

38. *New York Times*, February 7, 1943, P.5; *ibid.*, February 15, 1943, P. 5; *ibid.*, February 23, 1943,

از لحاظ متفقین، شورش، اصطکاک میان آنها را تشدید کرد. ایالات متحده پس از آذر ۱۳۲۱ در مورد ایران سیاست خارجی‌ای را در پیش گرفت که به نحو فزاینده‌ای مستقل از انگلیس بود. این سیاست مستقل جدید، که به مدت تقریباً چهل سال بی‌تغییر باقی‌مانده، کارگزاران آمریکا را متقاعد کرد که فقط تعهدی قوی برای امنیت ایران می‌تواند این کشور را از اضمحلال داخلی یا اشغال خارجی نجات دهد. ایرانیان روزبه‌روز بر مخالفت خود با انگلیسیها افزودند و شروع کردند به جلب حضور بیشتر آمریکا در ایران برای جبران مداخله انگلیسیها و شوروی. همچنین متفقین غربی و ایران نسبت به مداخله شوروی در شمال ایران بیدارتر شدند.^{۳۹}

عامل سبب‌ساز شورش نان ممکن است هرگز دقیقاً معلوم نشود، حضور لوطی‌ها و اقدام جمعیت مهاجم نشان داد که شورش یک اتفاق غیرمنتظره نبود؛ بلکه طرح‌ریزی شده، تمرین شده، هدایت شده و تحریک شده بود. جمعیت، خشمگین و تحریک شده بودند ولی به طرز معقولانه و قابل پیش‌بینی عمل می‌کردند. به نظر می‌رسید که ایرانیان عموماً نخست‌وزیر قوام را مقصر می‌دانند و تعطیل دانشگاه تهران، توقیف مطبوعات و عقب‌نشینی نیروهای پلیس از میدان بهارستان را مدارک شریک جرم بودن او در این قضیه می‌دانند. اقدامات قوام، به عنوان تلاشهایی برای توقیف مطبوعات ضد قوام، برای بستن مجلس و در نتیجه جلوگیری از دادن رأی عدم اعتماد مورد انتظار، و برای ممانعت از تلاش شاه به منظور وادار کردن او به استعفا، تلقی شد.^{۴۰} با وجود این، درگیر شدن شاه، فعالیتهای سرهنگ ارفع و تیمسار [یزدان]پناه، ظاهر شدن چند نماینده

→ P. 6; Dreyfus to Hull, February 15, 1943, RG 59, 891.00/1983, DSNA; Dreyfus to Hull, January 29, 1943, RG 59, 891.00/ 1990, DSNA; *FRUS, 1942*, 4: 221-222; "The Recent Disorders in Tehran."

حزب توده در شورش نان در آذر ۱۳۲۱ نقش مشهودی ایفا نکرد.

39. *FRUS, 1943*, 4:355-359, 331-336; *FRUS, 1942*, 4: 214-217.

در مورد کوشش برای جلب مداخله بیشتر آمریکا، نگاه کنید به:

Stephen L.Mcfarland, "A Peripheral View of the Origins of the Cold War: The Crisis in Iran, 1941-1947," *Diplomatic History* 4 (Fall 1980), 333-351.

۴۰. قوام در سال ۱۳۲۵ بار دیگر از تجمع در تهران، برای تعطیل مجلس و به عنوان بهانه‌ای برای توقیف مطبوعات و بازداشت مخالفان سیاسی طی بحران مربوط به امتناع اتحاد شوروی از بیرون بردن نیروهای خود از ایران، استفاده کرد. نگاه کنید به گزارشی بی‌عنوان،

March 29, 1946, RG 226, XL 50148, OSSNA.

مجلس در صحنه شورش و اقدامات بعضی گروههای غیرنظامی نشان داد که دیگران نیز قصد داشتند از گرسنگی به عنوان یک موضوع دعوا و از آشوب جمعیت مهاجم به عنوان یک سلاح در کشمکش برای تفوق سیاسی در ایران زمان جنگ استفاده کنند. برای مثال، بازاریان در برابر شایعه قصد دولت برای بستن بازار آزاد واکنش نشان می‌دادند.^{۴۱} در روزنامه‌تایمز لندن اشاره شد که مخالفان سیاسی قوام با محافل دول محور ارتباط برقرار کرده‌اند. انگلیسیها، هرچند هیچ مدرکی دال بر همدستی آنها در شورش وجود ندارد، آشکار از شورش برای رسیدن به اهداف خود استفاده کردند. حداقل یک نویسنده روسی، دخالت تراست‌های انحصاری انگلیسی و آمریکایی در ایران را مقصر دانسته است.^{۴۲} قحطی یا دست کم محرومیت نسبی، هرچند پیش‌زمینه‌های لازم برای شورش را ایجاد می‌کنند و شاید بعضی از شرکت‌کنندگان در شورش را برمی‌انگیزند، به تنهایی نمی‌توانند علت شورش باشند. در سراسر سال کمبود، در تهران هیچ مرگی ناشی از گرسنگی اتفاق نیفتاده بود و طی پنج ماه پس از شورش آذرماه، با آنکه کمبودها ادامه داشت، هیچ شورش دیگری درنگرفت.^{۴۳}

به هم پیوستن نیروهای گوناگون در سالهای ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ پیش‌زمینه‌ها را برای آشوبهای آذر ۱۳۲۱ فراهم آورد. این نیروها، باهم، شکافهای عمده در اقتصاد سیاسی زمان جنگ ایران را آشکار کردند، که عبارت بودند از: (۱) واکنش ملی‌گرایانه در برابر مداخله‌گران بیگانه؛ (۲) عکس‌العمل همگانی در برابر نظام سیاسی غیرمشارکتی نخبه‌سالار و بسیار بی‌کفایت؛ (۳) واکنش عمومی در مقابل تغییرات در اقتصاد سیاسی

۴۱. شورش در اصل در خارج از بازار، در مناطق تجاری جدید، در امتداد خیابانهای اصلی تهران که رضاشاه احداث کرده بود و مورد مخالفت بازاریان بود، رخ داد. نگاه کنید به:

Avery, *Modern Iran*, pp. 350-360; Michael E-Bonine, "Shops and Shopkeepers: Dynamics if an Iranian Provincial Bazaar,"

در:

Michael E. Bonine and Nikki R. Keddie, ed., *Modern Iran: The Dialects of Continuity and Change* (Albany, 1981). pp. 233-258.

42. *Times* (London), December 12, 1942, P. 3; Popov, "Nachalo Agressii SSHA," pp. 39, 41.

۴۳. اگرچه آشوبهای مربوط به شورش تنباکو در سالهای ۱۲۶۹-۱۲۷۱ بر اساس وسواس مذهبی در برابر فروش کالایی از سوی کفار بود که کاربرد روزمره و شخصی داشت، لیکن در سال ۱۳۲۱ ایرانیان در مصرف نان حاصل از گندم کشت شده به دست کفار و پخته و توزیع شده تحت نظارت کفار، هیچ عذاب وجدان آشکاری نشان نمی‌دادند.

ایران که در زمان حکومت رضاشاه آغاز شده بود؛ و (۴) عکس‌العمل عمومی در مقابل محرومیت ناشی از ناتوانی دولت در تأمین مایحتاج عمومی. به علاوه، شورش، میزان قدرت و کفایت نخبگان ایران را در استفاده از امکانات سنتی ایران به خصوص لوطی‌ها برای افزودن به نارضایتی عمومی و تغییر دادن مسیر این نارضایتی در جهت مصالح و منافع خود، نشان داد. «مردمی بودن شورش، صوری و کاذب» بود.^{۴۴} شورش نان در هفدهم و هجدهم آذر ۱۳۲۱، تحت نظارت نخبگان و بدون بالارفتن انتظارات یا افزایش وحدت؛ بلکه با حضور متفقین، اقدامی محدود باقی ماند و به صورت یک انقلاب درنیامد. این شورش، رخداد تاریخی منحصر به فردی است که روشن می‌کند که چگونه عوامل گوناگون به هم می‌پیوندند تا دگرگونی را آغاز کنند و اقتصاد سیاسی را به بحران بکشند و اوضاعی را پدید آورند که نخبگان سیاسی خارجی و داخلی بتوانند از آن بهره‌برداری کنند و آن را زیر نفوذ خود درآورند.

۴۴. نگاه کنید به: Kettering, *Judicial Politics*, P. 4.

کترینگ نقش نخبگان سیاسی را در شورشهای ایالت آکس-آن (Aix-en) فرانسه در قرن هفدهم میلادی مورد بررسی قرار داده است.